



خسرو امیر حسینی

# نخوانید بدانید

## آیا رشد اقتصادی می‌تواند کاهنده فقر باشد؟

طرد اجتماعی می‌تواند چهره‌ای به‌مراتب خشن‌تر داشته باشد. چه چهره‌ای می‌تواند حتی خشن‌تر از فقر باشد؟ امیدی در این بخش از سخنانش «طرد» را از «فقر» جدا کرد و به آن صفتی اجتماعی داد: «فقر ناشی از مکانیسم توزیع است اما طرد یک مقوله اجتماعی است که در آن ارتباطات دچار اخلال می‌شود. از این منظر، فقر یکی از عوامل تشدیدکننده طرد است و طرد اجتماعی زمانی به وجود می‌آید که روابط در ساختار اجتماعی دچار گسست‌های اساسی می‌شود و به همین دلیل می‌توان در حوزه طرد، از مذهب، جنسیت، مهاجرت و... هم به‌عنوان سطوح مختلف مسئله نام برد.»

### آیا رشد اقتصادی می‌تواند کاهنده فقر باشد؟

امیدی سپس به ذکر یک مثال پرداخت: «براساس مطالعات انجام‌شده، استان سیستان و بلوچستان یکی از نواحی طردشده در مناسبات اقتصادی و توسعه کشور است. به عبارت دیگر، طرد می‌تواند در سطوح مختلف قابل بررسی باشد.» او پس از این مثال به مبحث طرد اجتماعی بازگشت و فعالیت‌های دولت را در سال‌های اولیه انقلاب مورد بررسی قرار داد: «دولت‌ها تا دهه ۸۰ به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع مخاطرات اجتماعی عمل کرده‌اند؛ در حوزه‌های فقر و آسیب‌های اجتماعی هیچ مسئله اجتماعی را نمی‌توان پیدا کرد که ردپای سیاست‌های دولت‌ها در آن نباشد.» در ادامه چند آمار مرتبط با مسئله فقر و طرد اجتماعی ضمیمه بحث شد: «وقتی در جامعه‌ای ۱۶ درصد جی‌دی‌پی فرار مالیاتی صورت می‌گیرد، نباید از همبستگی اجتماعی برای حل مسائل سخن گفت. آخرین آمارهای دولت نشان می‌دهد یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر در سطح ملی زیر خط فقر قرار دارند که از اینها، ۴۰ درصد در جامعه روستایی و ۳۰ درصد در جامعه شهری هستند که درآمدشان کفاف سیر کردن شکمشان را نمی‌دهد.»

این مقدمه برای امیدی، حکم ورود به بحثی تازه را داشت: «فعالیت‌های آن‌جی‌اوها تا چه حد می‌تواند به طردشدگان جامعه کمک کند؟» او پیش از ورود به این بحث، از بهزیستی به خاطر برون‌سپاری ۹۵ درصدی فعالیت‌هایش انتقاد کرد و گفت که چرا دولت به جای هدایت درآمدها به سمت بخش‌های عمرانی، به حوزه اجتماعی کمک نمی‌کند و افزود: «نگاه کلاسیک حکم می‌کند رشد اقتصادی از بین‌برنده فقر خواهد بود؛ در حالی که بانک جهانی

چهارراه‌ها، افزایش تعداد معتادانی که در گوشه و کنار بلوارها مشغول مصرف مواد یا چرت زدن هستند و زباله‌جمع‌کن‌هایی که برای لحظه‌ای سطل‌های بزرگ زباله را رها نمی‌کنند، از یک طرف و صدها آن‌جی‌او و تشکل و گروه‌های اینترنتی که سعی در بهبود شرایط اجتماعی کشور دارند، از سوی دیگر، گاه حتی ممکن است سوال کننده را دلسرد کند: «با شعار نمی‌شود کاری کرد!» و حتی شاید چیزی تلخ‌تر از اینها؛ یعنی نمایشی دانستن فعالیت‌های غیردولتی در حوزه‌های اجتماعی.

در دومین نشست طردشدگان در دانشکده علوم اجتماعی که از سوی دفتر رصد فرهنگ و اجتماع پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و با همکاری انجمن علمی دانشجویی انسان‌شناسی دانشگاه تهران برگزار شد، یک پژوهشگر حوزه اجتماعی، یک استاد دانشگاه رشته اقتصاد و یک مسئول آن‌جی‌او از زوایای مختلف به این سوال کلیدی پاسخ دادند.

رمضان ماه عدل علی است؛ یادآور آنچه به گفته مدیر برگزاری دومین نشست طردشدگان، یکی از فراموش‌شده‌های امروز ماست: «پس از شهادت امیرالمومنین (ع)، اولین گروهی که روبه‌روی نظام طبقاتی ایستادند، شیعیان علی بودند که علاوه بر دین، عدل را می‌جستند.» شاید همین چند جمله برای ورود به موضوع طردشدگان کافی باشد اما آنچه از بررسی جایگاه این گروه از اجتماع در دومین نشست از سلسله نشست‌های ماه عدل، در سخنرانی‌ها به دست آمد، بیشتر به این سمت رفت که چرا سازوکارهای آن‌جی‌اویی در ایران هنوز نتوانسته‌اند مانع از بی‌توجهی به طردشدگان جامعه شوند.

### مفهوم طرد و مسئله کمک

اولین سخنران این برنامه دکتر رضا امیدی، پژوهشگر سیاستگذاری اجتماعی بود که در سخنرانی خود با عنوان «سیاستگذاری اجتماعی؛ ضرورت یک پروژه اجتماعی - سیاسی»، پیش از هر چیز از قدمت گروهی در جامعه سخن گفت که امروز به عنوان طردشدگان شناخته می‌شوند: «در مفهوم نظری طرد باید به دهه ۷۰ میلادی برگردیم، وقتی اولین بار در این دهه موضوع «طرد اجتماعی» مطرح شد، یک نقد جدی به این مفهوم وارد شد. مسئله این بود که مطرح کنندگان این بحث در ادبیات اقتصادی و اجتماعی، به دنبال این هستند که با مفهوم «طرد»، زشتی و خشن بودن فقر را پنهان کنند اما مطالعات بعدی نشان داد

چندی پیش رفته بودم برای یک نشست خبری، مسیر را بین حمل و نقل شهری تقسیم کردم؛ بخشی با مترو، بخشی با اتوبوس یا به قول ما قدیمی‌ها واحد و بقیه خط یازده. ساعت به‌سرعت پیش می‌رفت و عقربه لختی توقف نداشت. به محل نشست رسیدم؛ برجی که هوش از سر می‌پراند. خود را به طبقه ۱۷ و جمع مخرین رساندم، غرق در این فکر که به‌راستی این پول چه‌ها که نمی‌کند! به یک حساب سرانگشتی درباره نیروی کار به ۲۰۰ نفر رسیدم و می‌دانستم که حقوق و مزایای برج نشین آبدارچی بیش از مهندس نیروست. برای این مجموعه باشگاهی روح افزا در بلندای سعادت در نظر گرفته شده بود.

بگذریم... در بازگشت جلو در بهارستان همانی که عدل مظفر بر سر درش نقش می‌داشت چند ده نفر از کارکنان فولاد را دیدم که شش ماه بود ریالی بابت نان و پنیر نگرفته، داد به دادگاه آورده بودند. از آن نیز بگذریم... بالاتر از میدان فردوسی چندین معلم را دیدم در سایه‌سار ساختمان با دستنوشته‌ای که روی آن بنوشته بودند قوتی دهید تا موت نشوم، من معلم بچه‌های شما هستم و بابا نان داد تدریس می‌کنم... به تحریریه بازگشتم، که یارانه شما قطع شده، پرسیدم چرا، گفتند دو طبقه داریم یا مستکبر یا مستضعف؛ آنان که یارانه می‌گیرند مستضعفانند و آنان که قطع یارانه شده‌اند مستکبر. ادامه سخن بود که خیر دادند داروهای قلب عمل کرده شما تمام شده بروید هلال احمر بخريد، یادتان نرود داروخانه ۱۳ آبان هم انسولین بگیرد که آن هم تمام شده، داروهای شیمی درمانی و والپرسدیم عیال هم هست و تا پایان ماه هم ۱۰ روزی مانده و حقوق بازنشستگی کمتر از ۱۱ میلیون ریال است.

این بگفتم تا برسیم به مقوله فقر... ما که گوشت نتوانیم خرید چون این قلم در حیات ما ۷۰۰ برابر قیمت پیدا کرده، نان هم دانه‌ای شده ۱۲۰۰ تومان، قیمت مرغ در سوپرهای اروپا و آمریکا ۵ دلار است و در فروشگاه‌های ما ۲۴ هزار تومان. از این هم بگذریم... در پی خبر افزایش تعداد فقرا بر آن شدیم تا به بررسی مسئله در حد توان و مقدور اتمان بپردازیم.

### بررسی یک علت از سه منظر

#### گسترش نهادهای مدنی، افزایش تعداد فقرا

«چرا با وجود فعالیت گسترده آن‌جی‌اوها در ایران، فقر همچنان یکی از مسائل جدی در جامعه ماست؟» احتمالاً بارها با این پرسش مواجه شده و پاسخ‌های مختلفی برای آن تراشیده‌اید... انبوه کودکان کار در

هم به این موضوع اعتراف کرده که نمی‌توان حتی با چهار برابر کردن رشد اقتصادی، شاهد کاهش فقر در جهان بود. بنابراین باید پرسید فارغ از نگاه دولتی در این حوزه، چرا آن‌جا می‌توانسته‌اند در حوزه طرد اجتماعی موفق باشند؟ پیشنهاد این پژوهشگر حوزه اجتماعی، متمرکز کردن آن‌جا می‌تواند به سمت سیاستگذاری کلان برای عزم ملی و کاهش مشکلات طرد اجتماعی در ایران بود؛ موضوعی که موسس و مدیر جمعیت امام‌علی (ع) به عنوان نماینده آن‌جا اوی حاضر در این نشست، چندان با آن موافق به نظر نمی‌رسید.

### طرد، واژه مناسبی نیست یا هست؟

واژه طرد، یک پیش‌زمینه ذهنی برای مخاطبانانش دارد؛ خداوند شیطان را از بهشت طرد کرد. آیا می‌توان مطرودان جامعه را با صفت طرد تفسیر کرد؟ شارمین میمندی‌نژاد، موسس و مدیر جمعیت خیریه امام‌علی (ع)، به این نشست آمده بود تا از دریچه دیگری به این موضوع نگاه کند: «طردشدگی واژه گسترده‌ای است که ریشه در باورهای ما دارد، ما فقیر را آدم بی‌استعداد و بی‌هنری می‌بینیم که نتوانسته خودش را در ساختار اجتماعی بالا بکشد. کسانی که در مقابل آدم‌های کارآفرین، نتوانسته‌اند فعالیت ایجاد کنند، بیشتر به حاشیه رانده شده‌اند و از آنها با عنوان‌های نادرستی چون انگل اجتماع و آدم‌های بی‌عرضه یاد می‌شود؛ حال آنکه وقتی این افراد جدی گرفته نمی‌شوند، طبیعی است که به فساد نیز آغشته شوند.» او هم با مرور تاریخ پس از انقلاب به جایگاه طرد اشاره کرد و گفت: «در انقلاب، شعار حذف طبقات جامعه یکی از شعارهای کلیدی بود؛ در حالی که امروز فاصله طبقاتی به شکل جدی‌تری احساس می‌شود زیرا ما مانیفست اجتماعی نداشته‌ایم و نمی‌دانیم در نهایت جامعه باید در مقابل این افراد چه واکنشی نشان دهد.» او در پاسخ به سوال کلیدی نشست که سمن‌ها چگونه باید به یک راهکار درست در مقابل موضوع طردشدگان برسند نیز گفت: «بسیاری معتقدند سمن‌ها باید سیاست کلان جامعه را تغییر دهند که این امکان‌پذیر نیست چون این حاکمیت هم از دل همین اجتماع پدید آمده است؛ تغییر باید در کف اجتماع به وجود بیاید تا در راس نمود پیدا کند.» اما چگونه؟ «اگر می‌گویند آن‌جا می‌تواند سیاستگذاری‌های حاضر و حاکم در جامعه را تغییر دهند، به این دلیل است که هنوز مفهوم درستی از آن‌جا می‌آید مطرح نشده یا مطرح شده و متوجه آن نمی‌شوند. باید تغییر از کف جامعه صورت گیرد و آن‌جا می‌توانیم شاهد تغییر در سطوح بالاتر هم باشیم.» میمندی‌نژاد نیز بحث خود را با یک استفهام منفی به پایان رساند: «آیا مشکلات طبقه نادیده گرفته شده آن قدر ساده است که تنها با طرح کردنشان بتوان آنها را حل کرد؟ آیا چنین نگاهی به طردشدگان باعث نمی‌شود که دیگر مشکلات آنها را در بخش‌های مختلف نادیده بینگاریم و تنها به بحث اقتصادی بپردازیم؟»

**نئولیبرالیسم یا وقتی که به فردگرایی می‌رسیم**  
چهره دیگر فقر را می‌توان در آن سوی دیوار واژه‌ها

سراغ گرفت؛ واژه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. در پستوی هر جامعه‌ای، طردشدگان قرار دارند، آنها به پستو رانده شده‌اند تا تجسم فراموشی ما باشند. وقتی در سال ۹۲، مدیران شهری شیراز معنادان را سوار ماشین‌های باری کرده و در بیابان‌های بندرعباس رها کردند، وقتی سرنوشت اردوگاه شفق که قرار بود مکانی باشد برای ترک اجباری معنادان، به مرگ تعدادی معناد ختم شد و... همه نمونه‌هایی عینی از طردشدگی است. اینها موضوعاتی بود که دکتر حسین راغفر، استاد اقتصاد دانشگاه الزهرا قصد داشت درباره آنها سخن بگوید، اگرچه کمی قبل از او، دکتر امیدی مثال‌هایی از آن به میان آورده بود: «فقر محصول نظام اجتماعی و عامل نوع خاصی از طرد اجتماعی است و شاید بشود ریشه طرد اجتماعی را در دو عامل اصلی اشتغال و تحصیلات جست.»

این استاد دانشگاه طردشدگی را نتیجه خط مشی اقتصادی خاصی دانست که از آن به عنوان نئولیبرالیسم یاد می‌شود: «تفاوت نئولیبرالیسم با لیبرالیسم در این است که در نئولیبرالیسم هیچ حوزه‌ای از حیات بشر نیست که نشود آن را با عرضه و تقاضا توضیح داد و تبیین کرد؛ آمریکا به عنوان الگوی نئولیبرالیسم جهان هم از آسیب‌های این نظام اقتصادی در امان نمانده است. طی این روند در آمریکا جمعیت زندانیان از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲، پنج برابر شده است.» اما فقط در آمریکا نیست که تعداد زندانیان بر اثر چنین تغییراتی در نظام اقتصادی گسترده‌تر می‌شود. راغفر در ادامه گفت: «در ایران بالغ بر ۱۶ میلیون پرونده کیفری در دادگاه‌ها داریم که محصول همین رویکرد نئولیبرالیستی است.»

چرا عاملان فسادهای میلیاردی، اسم مستعار دارند؟ اما چرا جامعه نمی‌تواند از سختی بار مشکلات طردشدگان کم کند؟ راغفر در بخش دوم سخنان خود به فردگرایی حاکم در جامعه ما اشاره کرد که توان یاری دادن را از بسیاری گرفته است: «اینکه در جامعه ما، امروز فردگرایی افزایش یافته است، به دلیل قدرت و تئوری‌های مبتدلی است که از سوی برخی به اصطلاح محققان اجتماعی ارائه می‌شود اما این فرهنگ، محصول نژاد ایرانی نیست؛ این محصول شرایطی است که فقر را تولید و از آن برای استمرار خود استفاده می‌کند.» در این شرایط آیا می‌توان با اصلاح نظام اقتصادی، به حل مشکلات اجتماعی کمک کرد و اگر چنین باشد آیا این اتفاق تکذیب سخن

گروهی نیست که می‌گویند رشد اقتصادی به کاهش فقر نمی‌انجامد؟ راغفر پاسخ میانه‌ای دارد که بیشتر بر اعتراض به نظام اقتصادی حاکم بر جامعه متمرکز است. آنجایی که فساد اقتصادی، کلاهبرداری‌های میلیاردی و اختلاس‌ها به این دوگانگی طبقاتی افزوده می‌شود: «هزارها میلیارد تومان برده می‌شود و عاملان آن با اسم مستعار خوانده می‌شوند؛ در حالی که جوانانی که بر اثر همین رفتارها مجبور به دزدی و خفت‌گیری شده‌اند، طرف یک هفته دستگیر شده و خیلی راحت در تلویزیون به نمایش گذاشته می‌شوند.» او در پایان، شکل‌گیری گروهی که عنوان طردشدگان اجتماعی را بر آنها نهاده‌اند، زاینده عوامل مختلف توصیف کرد و به صورت فهرست‌وار از «قطبی شدن تبعیض»، «فقر» و «نا توانی در دسترسی به کالاهای اجتماعی»، به عنوان بخشی از آنها نام برد و شرکت‌کنندگان در نشست هم حواسشان بود که میان این کالاهای اجتماعی که مطرودان نمی‌توانند به آنها دسترسی پیدا کنند، «شغل» و «تحصیل» در اولویت است.

